

بررسی تحولات اشتغال فارغ التحصیلان نظام آموزش عالی در بخش های عمده اقتصادی با استفاده از تحلیل انتقال - سهم

رضا کیهانی حکمت^۱

غلامرضا فتحی پور^۲

چکیده:

ایجاد اشتغال به ویژه برای دانش آموختگان آموزش عالی یکی از مهمترین چالش های اقتصاد ایران شده و در آینده ای نه چندان دور با افزایش جوانان تحصیلکرده، مساله فوق حادثر خواهد شد. در این مطالعه تحلیل انتقال-سهم برای بررسی تحولات اشتغال فارغ التحصیلان نظام آموزش عالی در بخش های عمده اقتصادی در مقایسه با کل شاغلین کشور طی دوره ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ بکار گرفته شده است. این روش ضمن اندازه گیری چگونگی رشد اشتغال فارغ التحصیلان نظام آموزش عالی مشخص می کند که این رشد تحت تاثیر چه عوامل بیرونی (ملی)، ساختاری و درون منطقه ای بوده است. نتایج حاکی است که بخش های کشاورزی، معدن، آب و برق، خدمات مالی، هتل و رستوران، حمل و نقل، مستغلات و خدمات عمومی از میان ۱۱ بخش عمده فعالیت شاغلان با تحصیلات عالی دارای انتقال ساختاری مثبت می باشند و تمامی ۱۱ بخش عمده فعالیت دارای انتقال رقابتی مثبت است. بنابراین، انتظار بر آن است که در آینده این بخش ها نقش بسیار مهمی در اشتغال فارغ التحصیلان نظام آموزش عالی داشته باشند.

واژگان کلیدی: مزیت نسبی، انتقال سهم، اشتغال، فارغ التحصیلان، بخش های عمده اقتصادی

۱-دانشگاه آزاد اسلامی، واحد همدان، باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، همدان

۲- مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان و کارشناس سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان همدان

۱- مقدمه

امروزه اشتغال و بطور کلی نیروی انسانی و بویژه نیروی انسانی متخصص جایگاه خاصی در مسائل اقتصادی و به ویژه رشد و توسعه اقتصادی دارد. نیروی انسانی کانون توجه در تئوریهای توسعه است به خصوص در طول دهه های اخیر مزیت نسبی کشورها بوسیله توجه به نیروی انسانی و به ویژه نیروی انسانی متخصص مشخص می شود. نیروی انسانی تحصیلکرده در هر کشور، جزء مهمترین سرمایه های آن کشور شناخته می شود و در استفاده بهینه از امکانات کلان کشور نقش موثری دارد. اصلاح ساختار شاغلان از این دیدگاه، امری زمان بر می باشد و نیروی انسانی متخصص در بلند مدت تربیت می شود. همچنین نظام آموزش عالی ایران در دو دهه اخیر گسترش سریعی یافته است. افزایش ظرفیت های آموزش عالی، از طریق ایجاد دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی دولتی و غیر دولتی در کلیه استان ها، موجب افزایش قابل ملاحظه دانشگاه ها شده و عدم هماهنگی بین فرصت های شغلی موجود در بخش های مختلف اقتصادی و به عبارتی، کمبود تقاضا، بروز پدیده بیکاری فارغ التحصیلان دانشگاهی را فراهم ساخته است.

بنابراین هدف اساسی این مقاله کاربرد تحلیل انتقال - سهم برای بررسی چگونگی تحولات اشتغال فارغ التحصیلان نظام آموزش عالی در بخش های عمده اقتصادی با استفاده از تحلیل انتقال - سهم در مقایسه با کل شاغلین کشور می باشد. بدین منظور ادامه این مقاله به صورت زیر تنظیم می شود. در قسمت دوم به مروری بر تحقیقات انجام شده پرداخته خواهد شد. در قسمت سوم جنبه های نظری، مفهومی و تجربی تحلیل انتقال - سهم توضیح داده می شود. در قسمت چهارم نتایج کاربرد تحلیل انتقال - سهم برای شاغلان با تحصیلات عالی در مقایسه با کل شاغلان کشور برای دوره مورد مطالعه ارائه می شود. در انتها، قسمت پنجم این مقاله به جمع بندی و نتیجه گیری اختصاص خواهد داشت.

۲- مروری بر تحقیقات انجام شده

در زمینه مدل انتقال-سهم مطالعات متعددی به انجام رسیده است. در این قسمت به بیان برخی از این مطالعات پرداخته می شود.

دینس و هاینس^۱(۱۹۹۹)، در مقاله ای با عنوان " کارایی منطقه ای در بخش تولید صنعتی یکپارچه سازی انتقال- سهم با تحلیل پوشش داده ها" یک رهیافت بسوی تحقیق در مورد ساختار اقتصاد منطقه ای، بهره وری بخشی، و تاثیر مربوط به آن با استفاده از یک مدل انتقال-سهم اصلاح شده و تحلیل پوشش داده ها (DEA) ارائه کرده اند.

نوپونن و درایس^۲(۱۹۹۸)، در مقاله ای با عنوان "تجارت بین الملل و تحلیل انتقال - سهم: پاسخ به دینس و هاینس" منتشر کرده اند که در آن در واکنش به اظهار نظر دینس و

3-Dinc and Hayness

4-Nojonen and Driessen

هاینس، فرمول منتشر شده آنان را از صادرات و واردات مجزای بدست آمده از تحلیل انتقال-سهم پویا را با تعیین تفاوت نرخ های رشد اشتغال کلان شهر در ایالات متحده تصحیح کرده اند.

هنج و قُت و چیاونگ^۵ (۱۹۹۹)، در مقاله ای با عنوان "رشد در بازارهای صادرات سنگاپور، ۱۹۹۱-۹۶: یک تحلیل انتقال-سهم" روش شناسی انتقال-سهم را برای تحقیق در مورد گرایش به رشد بازار صادرات سنگاپور طی سالهای ۱۹۹۱-۹۶ را بکار برده اند.

لیاچتی و کنادسن^۶ (۱۹۹۹)، در مقاله ای با عنوان "اندازه گیری اقتصاد پایه منطقه ای"

به بررسی تکنیکها و مولفه های درگیر در اندازه گیری اقتصاد پایه منطقه ای می پردازند.

هانهام و بناسیک^۷ (۲۰۰۰)، در مقاله ای با عنوان "تحلیل انتقال-سهم و تغییرات در ضریب تکاثری اشتغال ژاپن" تحلیل انتقال-سهم برای بررسی نقش ساختار مکانی روی تغییرات در ضریب تکاثری اشتغال منطقه ای، در برابر تاکید سنتی مطالعات انتقال-سهم روی نقش ساختار صنعتی بکار رفته است و در آن بحث شده است که تغییرات در اقتصاد مکانی منطقه علاوه بر اینکه بر حسب زیر بخش های اقتصادی درک می شود، همچنین بر حسب سهم زیر بخشهای مکانی اقتصاد نیز قابل درک است.

استبان^۸ (۲۰۰۰)، در مقاله ای با عنوان "همگرایی در اروپا و ساختار صنعتی: یک تحلیل انتقال-سهم" سعی نموده تا دامنه ای که وجود نابرابری درون منطقه ای در کل بهره وری های طبقه کارگر اتحادیه اروپایی را بتواند به تفاوتها در ترکیب فعالیت های ناحیه ای بجای شکافهای بهره وری که در میان بخش ها یکنواختند-نسبت دهد، شرح میدهد.

بارف و نیات^۹ (۲۰۰۱)، در مقاله ای با عنوان "تحلیل انتقال-سهم" با استفاده از تغییر-سهم پویا، نتایج کنونی از یک تحلیل جدید رشد اشتغال انگلستان از ۱۹۳۹-۸۴ با بکار گرفتن اطلاعات آماری اداره کار ایالت متحده را تشریح کرده اند.

مک دونا و سایهچ^{۱۰} (۲۰۰۱)، در مقاله ای با عنوان "الحاق مضرب پایه به تحلیل انتقال-سهم" تکنیک انتقال-سهم را با انتخاب توسعه یک روش شناسی گسترش می دهند که شامل اقتصاد پایه و مدل انتقال-سهم هر دو می شود و اقتصاد پایه را در مدل انتقال-سهم می گنجانند. عسگری و گلی^{۱۱} (۱۳۷۸)، در مطالعه ای برای استان همدان با استفاده از روش تحلیل انتقال-سهم برای بررسی چگونگی رشد اقتصادی استان همدان و شهرستان های تابعه طی دوره ۱۳۵۵-۷۵ برای فعالیتهای عمده اقتصادی استفاده گردیده است.

⁵-Heng peh and ChyiWong

⁶-Lichty and Knudsen

7-Hanham and Banasick

8-Esteban

9-Barff and Knight

¹⁰-Mcdonough and Sihag

عبایی (۱۳۷۹)، در پایان نامه کارشناسی ارشد به "بررسی وضعیت اشتغال در استان سمنان و شناسایی مزیت‌های نسبی از دیدگاه اشتغال" پرداخته است. در این تحقیق، تجزیه و تحلیل روند اشتغال بخش‌های عمده اقتصادی طی سالهای ۷۵-۱۳۵۵ صورت گرفته است.

۳- مدل و روش شناسی

همانند بسیاری از ابزارهای اندازه‌گیری رشد اقتصادی، تحلیل انتقال - سهم یک ابزار کاملاً مفهومی است که برای ارزیابی قوت و ضعف اقتصاد مناطق و زیر مناطق با استفاده از متغیرهای مختلفی مانند درآمد، فروش یا اشتغال به کار گرفته می‌شود. اما بر خلاف سایر روشها، روش انتقال - سهم این امکان را فراهم می‌کند که رشد را به سه جز تقسیم کنیم. رشد ناشی از رشد ملی، رشد ناشی از ساختار صنعتی، و رشد ناشی از مزایای رقابت منطقه ای در فعالیتهای (Niemi, 1985).

جزء مربوط به رشد ملی افزایش در تولید ناخالص منطقه ای را اگر فعالیتهای در منطقه به اندازه نرخ ملی افزایش یابد اندازه می‌گیرد. این جزء، درجه تغییر در رشد یک منطقه را که مرتبط با ناحیه بزرگتر است می‌سنجد. رشدی که از این طریق اندازه‌گیری شده است در حقیقت رشد و یا رکودی است که نصیب فعالیت منطقه تحت تاثیر تغییر در کل کشور - به فرض ثابت بودن سایر عوامل - شده است. بدین ترتیب اگر اشتغال در کل کشور افزایش یا کاهش یابد، انتظار می‌رود که این مساله اثرات مشابه مثبت یا منفی روی رشد در سطح منطقه ای بگذارد.

جزء مربوط به انتقال ناشی از ساختار صنعتی، اثر ترکیب فعالیتهای یک منطقه در مقایسه با کل کشور را مورد توجه قرار می‌دهد. یک فعالیت اقتصادی مشخص ممکن است با نرخی متفاوت از سایر فعالیتهای رشد و یا رکود یابد. منطقه ای که در آن فعالیتهایی با نرخ رشد بالا را در خود متمرکز کرده است دارای اثر ساختار صنعتی مثبت شده و برعکس، منطقه ای که در آن فعالیتهایی با رشد کم متمرکز شده است مواجه با اثر ساختاری منفی خواهد شد.

جزء سوم انتقال ناشی از ساختار رقابتی و مزایای نسبی یک فعالیت را در مقایسه با همان فعالیت در سطح کل کشور اندازه‌گیری می‌کند. برخی فعالیتهای اقتصادی در یک منطقه ممکن است سریعتر و یا کندتر از همان فعالیتهای در سطح کشور - به دلیل وجود شرایط خاص اقتصادی - رشد کنند. این عوامل می‌تواند شامل زیر ساختهای خوب، زمین، آب و هوا، منابع طبیعی و نیروی کار باشد. این جزء به دنبال در نظر گرفتن این عوامل از طریق ارزیابی اثراتی که بر رشد یا رکود در منطقه دارند، ظهور می‌کند.

اگر چه روشهای برای بیان ریاضی نحوه محاسبه این اجزاء وجود دارد ولی رابطه زیر نحوه محاسبه انتقال - سهم برای یک فعالیت در یک منطقه را نشان می‌دهد :

$$\text{Share} = e_i [(TE^*/TE) - 1]$$

$$\text{Proportional Shift} = e_i [(TE_i^*/TE_i) - (TE^*/TE)]$$

$$\text{Competitive Shift} = e_i [(e_i^* / e_i) - (TE_i^* / TE_i)]$$

$$\text{Total} = \{ e_i [(TE_i^* / TE_i) - 1] + [(TE_i^* / TE_i) - (TE_i^* / TE_i)] + e_i [(e_i^* / e_i) - (TE_i^* / TE_i)] \}$$

در اینجا e_i اشتغال در فعالیت i ابتدای دوره، TE_i^* میزان اشتغال در کل کشور در انتهای دوره، TE_i در ابتدای دوره e_i^* اشتغال در فعالیت i در انتهای دوره، TE_i^* میزان اشتغال در فعالیت i در کل کشور، TE_i میزان اشتغال در فعالیت i در ابتدای دوره می باشد. بدین ترتیب نتایج انتقال سهم برای کل فعالیتها در یک منطقه برابر با حاصل جمع هر کدام از اجزاء برای کلیه فعالیتها خواهد بود :

$$\text{Total Share} = \sum (e_i [(TE_i^* / TE_i) - 1])$$

$$\text{Total Proportional Shift} = \sum e_i [(TE_i^* / TE_i) - (TE_i^* / TE_i)]$$

$$\text{Total Competitive Shift} = \sum e_i [(e_i^* / e_i) - (TE_i^* / TE_i)]$$

کاربرد روش تحلیل انتقال - سهم در برنامه ریزی شهری و منطقه ای در کشورهای توسعه یافته بسیار متداول است. سیفرید (Seyfried, 1998) رقابت اقتصادی اقتصادهای ایالتهای جنوبی آمریکا را با یکدیگر مقایسه کرده است. او در این مطالعه از تحلیل انتقال - سهم برای تعیین موقعیت رقابتی هر ایالت استفاده کرده است. او از داده های مربوط به تولید ناخالص ایالتی برای سالهای ۱۹۸۲ تا ۱۹۸۹ استفاده کرده است. فریدریک و گیل (Fredrick and Gale, 1997) از این تحلیل استفاده کرده است تا به نوعی شکاف بین شهرها و روستاها توضیح دهد. وی با استفاده از این روش نتیجه گرفته است که مقادیر شهری و روستایی ارزش افزوده ناشی از تجمع فعالیتها در حدود نیمی از شکاف بین شهر و روستا در بهره وری و دستمزدها را در بر می گیرد. تفاوتی در بهره وری و دستمزدها بین فعالیتها با شهرنشینی افزایش می یابد. سابقه کاربرد روش انتقال - سهم از برنامه ریزی منطقه ای فراتر رفته و نمونه هایی از آن در تجارت بین الملل نیز مورد استفاده واقع شده است. به عنوان مثال، اودانیل (O'D annell, 1996) به بررسی تغییر در ساختار کابایی و مقصد صادرات کشور ایرلند برای دوره ۱۹۷۲ تا ۱۹۹۰ پرداخته است. او در مطالعه خود شکل تعدیل شده ای از این مدل را مورد استفاده قرار داده است. اودانیل در این مطالعه نتیجه گرفته است که تا سال ۱۹۸۵ موفقیت صادرات ایرلند در افزایش سهم بازار، کمتر به تولیداتی که صادر می کرد و یا کشورهایی که به آنها صادر می کرد بستگی داشت. در حالیکه از این سال به بعد ترکیب کالایی و بازارهای صادراتی به تدریج اثرات قابل ملاحظه ای بر سهم صادرات ایرلند در بازارهای جهانی گذاشته است.

بدیهی است مدل انتقال سهم مانند اغلب مدلها علی رغم محاسن بسیار، دارای محدودیتها و کاستی هایی است که هر گونه استفاده از آن نیز باید با ملاحظه محدودیتها و معایب آن صورت گیرد. در اینجا مهمترین ایراداتی که بر این روش گرفته شده اند فهرست می شود.

۱- نتایج تحلیل انتقال- سهم تحت تاثیر نوع طبقه بندی فعالیت‌های اقتصادی و جزئیات آنها ممکن است تغییر کنند. به عنوان مثال در این مطالعه طبقه بندی کلیه فعالیتها مورد استفاده قرار می‌گیرد در حالی که اگر تقسیمات جزئی تر فعالیتها مورد استفاده قرار گیرند نتایج به دست آمده ممکن است تا حدودی متفاوت باشند. البته این انتقال بر کلیه مدلها و روشهایی که از این نوع تقسیم بندیها استفاده می‌کنند وارد است.

۲- اگر چه جزء سوم که مزیت نسبی فعالیتها را در منطقه مورد مطالعه نشان می‌دهد و نشان دادن اینکه چه اتفاقی افتاده است مفید است ولی نمی‌تواند اولاً پیش بینی مناسبی از آنچه در آینده پیش خواهد آمد به دست دهد و ثانیاً قادر به بیان دلیل داشتن مزایای نسبی و رقابتی در فعالیتها نیست بنابراین نتایج انتقال - سهم فقط برخی برداشتهای اولیه از عملکرد فعالیت‌های مختلف اقتصادی را در منطقه به دست می‌دهند و مطالعات جزئی و دقیق تری برای شناخت عملکرد اقتصادی مناطق مورد نیاز خواهد بود.

۳- ضعف دیگر تحلیل انتقال - سهم که بر اساس این مطالعه به دست آمده و در منابع دیگر مورد اشاره واقع نشده است کاربرد آن در اقتصادهای دولتی است. در این اقتصادها که سهم عمده ای از فعالیتها در کنترل و انحصار دولت است نقش متغیرهای کارآیی اقتصادی بسیار ضعیف است. از این رو بسیاری از تغییرات در تولید و یا اشتغال ممکن است مستقیماً تحت تاثیر عملکرد دولت باشد که غالباً بر مبنای معیارهای کارآیی اقتصادی استوار نیست.

۴- همانند سایر ابزارهای مفهومی روش انتقال - سهم اثر حوادث خاص را- مانند بلای طبیعی، اعتصابات نیروی کار و جنگها را که همگی آنها ممکن است نتایج را تحت تاثیر قرار داده باشند- در نظر نمی‌گیرد.

۵- اجزاء تحلیل انتقال- سهم عمدتاً درست تفسیر نمی‌شوند. این تا حدودی به دلیل پیچیده بودن مفاهیم مربوطه است.

۴- تحلیل داده ها و تفسیر نتایج

۴-۱- تجزیه و تحلیل روش انتقال-سهم بخش های عمده فعالیت اشتغال

تحصیلکردگان آموزش عالی

به منظور تحلیل تحولات اشتغال فارغ التحصیلان نظام آموزش عالی در بخش های عمده اقتصادی از آمار سرشماری عمومی نفوس و مسکن مرکز آمار ایران که به صورت ۱۱ رشته فعالیت موجود بوده استفاده شده است. همچنین، روش تحلیل انتقال - سهم برای بررسی و مقایسه رشد اشتغال فارغ التحصیلان آموزش عالی و کل کشور طی دوره ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ بکار گرفته شده است. نتایج بدست آمده در جدول شماره ۱ منعکس گردیده است. نتایج بدست آمده طی دوره ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ بیانگر این است که رشد اشتغال تحصیلکردگان در کلیه فعالیت های مذکور رشد مثبت داشته است. در مجموع نیز رقمی بالغ بر ۹۵۲۲۹۶ نفر بر میزان اشتغال فارغ التحصیلان کل کشور افزوده شده است. همچنین، اشتغال بخش های مختلف کل کشور در طی

این سال ها افزایش یافته است. از سوی دیگر، اشتغال فارغ التحصیلان دانشگاهی در تمامی بخشها افزایش یافته است.

سوالی که مطرح است این است که این رشد ناشی از چه عواملی بوده است. برای این منظور نتایج انتقال - سهم می توانند بخشی از جزئیات مربوطه را روشن نماید. نتایج مربوط به سهم نشان دهنده مقدار اشتغالی است که می باید بوجود آید اگر فعالیت مورد نظر در شاغلان تحصیل کرده به اندازه متوسط ملی رشد می کرد. اگر این نتایج را با رشد واقعی بوجود آمده مقایسه کنیم، در می یابیم که در فعالیت های بخش کشاورزی، استخراج معدن، صنعت، ساختمان، آب و برق، خدمات مالی، خدمات عمومی، عمده فروشی، حمل و نقل، مستغلات و هتل و رستوران رندهای تحقق یافته بیشتر از رشد مورد انتظار بوده است.

از طرف دیگر، نتایج انتقال ناشی از ساختار فعالیت ها بیانگر آن است که در این دوره فعالیتهای صنعت، ساختمان و عمده فروشی و خرده فروشی دارای مقادیر منفی بوده اند، یعنی نسبت این فعالیت ها در شاغلان تحصیل کرده در کشور به اندازه ای بوده است که با کاهش رشد آنها اشتغال تحصیل کردگان با کاهش بیشتری مواجه شده است. به تعبیر دیگر این فعالیتهای رشد کندتری در مقایسه با دیگر فعالیتهای داشته اند و اتفاقاً در ترکیب فعالیتهای اشتغال فارغ التحصیلان نظام آموزش عالی کشور سهم بیشتری داشته است. برعکس در مورد سایر فعالیتهای که نتایج آن ها مثبت است چنین نتیجه گرفته می شود که رشد این فعالیت ها در کشور مثبت بوده و اتفاقاً سهم قابل توجهی از اشتغال فارغ التحصیلان نظام آموزش عالی کشور به این قبیل مشاغل اختصاص دارد. بالاخره، نتایج انتقال ناشی از رقابت نسبی فعالیت ها بیانگر این است که درصد قابل توجهی از فعالیتهای شاغلان با تحصیلات عالی دارای مزیت نسبی در کشور می باشد. مثبت بودن کل این رقم نیز حاکی از آن است که اشتغال فارغ التحصیلان نظام آموزش عالی در این دوره دارای مزایای نسبی و رقابتی در اکثر فعالیتهای نسبت به کل شاغلین کشور بوده است.

بر این اساس، عملکرد فعالیتهای مختلف بر حسب مولفه های انتقال ساختاری و رقابتی در چهار حالت تحلیل می شوند:

الف) فعالیتهایی که دارای مولفه های انتقال ساختاری و رقابتی مثبت بوده اند. این فعالیتهای برنده اقتصادی تلقی می شوند. چرا که نرخ رشد آنها بیشتر از کشور بوده و بعلاوه در سطح کشور نیز از متوسط کل اقتصاد رشد سریعتری را داشته اند. بنابراین به دلیل آنکه رشد واقعی و تحقق یافته این فعالیت ها بیشتر از سهم ملی است. در نتیجه این فعالیتهای از بیشترین فرصتها برای ایجاد فرصت های اشتغالزایی برخوردار بوده اند و به عنوان محرکهای اشتغالزایی شناسایی شده اند. در کشور کشاورزی، معدن، آب و برق، هتل و رستوران، حمل و نقل و خدمات مالی و مستغلات و خدمات عمومی در زمره اینگونه فعالیت ها هستند.

ب) فعالیتهایی که مولفه انتقال ساختاری منفی ولیکن انتقال رقابتی مثبت را نشان می دهند. این فعالیت ها برنده مختلط اقتصادی تلقی می شوند، یعنی علی رغم عملکرد نسبتاً ضعیف در کشور، شاغلان تحصیلکرده در فعالیتهای ذکر شده دارای مزیت نسبی می باشد. چرا که سرعت رشد اشتغالزایی فارغ التحصیلان دانشگاهی نسبت به کشور بیشتر بوده، ولی رشد اشتغالزایی فعالیت در کشور نسبت به رشد اشتغالزایی فارغ التحصیلان دانشگاهی کمتر است. در مورد فعالیتهای ذکر شده کشف علت واقعی مزیت نسبی فعالیت ضروری است. فعالیتهای موثر و عمده نظیر صنعت، ساختمان و عمده فروشی و خرده فروشی در این مجموعه قرار گرفته اند.

ج) فعالیتهایی که دارای مولفه ساختار مثبت و انتقال رقابتی منفی هستند. این فعالیتها بازنده مختلط اقتصادی نامیده می شوند. در این فعالیتها نرخ رشد اشتغالزایی فعالیت فارغ التحصیلان نسبت به کل کشور کمتر بوده، در حالیکه رشد اشتغالزایی همان فعالیت در کشور نسبت به رشد کل کشور بیشتر می باشد.

د) فعالیتهایی که دارای مولفه انتقال ساختاری و رقابتی منفی می باشند. این فعالیتها به عنوان بازنده اقتصادی نامیده می شوند. چرا که نرخ رشد اشتغالزایی نسبت به کشور کمتر بوده و همچنین رشد اشتغال بخش در کشور نسبت رشد کل کشور کمتر است. بنابراین رقابت پذیری این فعالیتها در سطح کشور کاهش داشته و کمترین فرصت شانس را برای خلق اشتغال به ویژه در کوتاه مدت دارا هستند.

جدول (۱) - نتایج انتقال-سهم شاغلان با تحصیلات عالی طی سالهای ۹۰-۱۳۸۵ (اقتصاد مرجع: کل کشور) واحد: نفر

گروههای عمده فعالیت	کل شاغلان کشور		سهم ملی	انتقال ساختاری	انتقال رقابتی	کل	شاغلان با تحصیلات عالی		رشد اشتغال عالی
	۱۳۹۰	۱۳۸۵					۱۳۹۰	۱۳۸۵	
کشاورزی	۳۶۸۶۷۴۷	۳۹۰۲۴۰۳	۱۸۴	۲۹۳۷	۱۴۶۱۹۶	۱۴۹۳۱۷	۵۳۳۵۱	۲۰۲۶۶۸	۱۴۹۳۱۷
معادن	۱۵۲۲۵۴	۱۸۵۴۹۳	۱۰۹	۶۸۱۹	۱۷۴۰۹	۲۴۳۳۸	۳۱۷۳۷	۵۶۰۷۵	۲۴۳۳۸
صنعت	۳۴۸۵۱۹۱	۳۰۶۹۶۹۷	۱۱۱۱	-۳۹۵۴۶	۱۲۵۵۴۴	۸۷۱۰۹	۳۲۲۳۹۸	۴۰۹۵۰۷	۸۷۱۰۹
آب و برق	۲۲۴۸۱۱	۲۷۷۵۹۴	۲۴۵	۱۶۴۸۱	۲۴۱۱۶	۴۰۸۴۳	۷۱۲۴۱	۱۱۲۰۸۴	۴۰۸۴۳
ساختمان	۲۶۳۱۱۴۲	۲۴۷۲۹۲۱	۴۷۵	-۸۷۷۷	۵۰۶۳۸	۴۲۳۳۷	۱۳۸۰۴۵	۱۸۰۳۸۲	۴۲۳۳۷
عمده فروشی	۲۸۲۷۰۵۷	۲۵۲۱۶۹۶	۷۰۶	-۲۲۸۳۴	۱۰۸۲۵۸	۸۶۱۲۹	۲۰۴۸۶۹	۳۹۰۹۹۸	۸۶۱۲۹
هتل و رستوران	۱۹۲۴۱۱	۲۱۲۶۵۸	۴۱	۱۳۱۱	۶۶۶۸	۷۹۲۰	۱۱۸۹۹	۱۹۸۱۹	۷۹۲۰
حمل و نقل	۱۹۴۱۹۰۹	۱۹۴۹۶۱۱	۴۷۸	۷۲	۱۰۶۵۷۰	۱۰۷۱۲۰	۱۳۸۶۵۳	۳۴۵۷۷۳	۱۰۷۱۲۰
خدمات مالی	۲۷۱۳۶۶	۳۲۴۳۷۱	۴۰۱	۲۲۳۴۹	۵۱۸۰۸	۷۴۵۵۸	۱۱۶۴۷۴	۱۹۱۰۳۲	۷۴۵۵۸
مستغلات	۴۴۳۲۰۴	۴۹۰۸۰۶	۵۲۴	۱۵۸۲۸	۲۸۹۴۵	۴۵۲۹۸	۱۵۲۲۵۶	۱۹۷۵۵۴	۴۵۲۹۸
خدمات عمومی	۴۶۲۰۲۵۱	۵۱۳۹۶۲۴	۷۱۴۸	۲۲۶۱۱۶	۵۴۰۶۴	۲۸۷۳۲۷	۲۰۷۵۰۶۸	۲۳۶۲۳۹۵	۲۸۷۳۲۷
جمع	۲۰۴۷۶۳۴۳	۲۰۵۴۶۸۷۴	۱۱۴۲۲	۲۲۰۶۵۷	۷۲۰۲۱۷	۹۵۲۲۹۶	۳۳۱۵۹۹۱	۴۲۶۸۲۸۷	۹۵۲۲۹۶

ماخذ: محاسبات محققین با استفاده از آمار سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال های ۹۰-۱۳۸۵

در جدول شماره ۱ جزء مربوط به سهم ملی افزایش در تولید ناخالص منطقه ای را اگر فعالیتها در منطقه به اندازه نرخ ملی افزایش یابد اندازه می گیرد. این جزء؛ درجه تغییر در رشد یک منطقه را که مرتبط با ناحیه بزرگتر است می سنجد. رشدی که از این طریق اندازه گیری شده است، در حقیقت رشد و یا رکودی است که نصیب فعالیت منطقه تحت تاثیر تغییر در کل کشور- به فرض ثابت بودن سایر عوامل شده است. بدین ترتیب اگر اشتغال در کل کشور افزایش یا کاهش یابد، انتظار می رود که این مساله اثرات مشابه مثبت یا منفی روی رشد در سطح منطقه ای بگذارد.

جزء مربوط به انتقال ناشی از ساختار صنعتی، اثر ترکیب فعالیتهای یک منطقه در مقایسه با کل کشور را مورد توجه قرار می دهد. یک فعالیت اقتصادی مشخص ممکن است با نرخ متفاوت از سایر فعالیتهای رشد و یا کاهش یابد. منطقه ای که در آن فعالیتهایی با نرخ رشد بالا را در خود متمرکز کرده است دارای اثر ساختار صنعتی مثبت شده و برعکس، منطقه ای که در آن فعالیتهایی با رشد کم متمرکز شده است مواجه با اثر ساختاری منفی خواهد شد.

جزء سوم انتقال ناشی از ساختار رقابتی و مزایای نسبی یک فعالیت را در مقایسه با همان فعالیت در سطح کل کشور اندازه گیری می کند. برخی فعالیتهای اقتصادی در یک منطقه ممکن است سریعتر یا کندتر از همان فعالیتهای در سطح کشور - به دلیل وجود شرایط خاص اقتصادی - رشد کنند. این عوامل می تواند شامل زیر ساختهای خوب، زمین آب و هوا، منابع طبیعی و نیروی کار باشد. این جزء به دنبال در نظر گرفتن این عوامل از طریق ارزیابی اثراتی که بر رشد یا رکود در منطقه دارند، ظهور می کند.

مفهوم**۵- جمع بندی و نتیجه گیری**

بر اساس نتایج بدست آمده از روش انتقال - سهم:

۱- اثر سهم ملی برای هر یک از بخش های شاغلین با تحصیلات عالی مثبت می باشد. همچنین با توجه به روند صعودی اشتغال در کل کشور انتظار می رود که اثر سهم ملی برای هر بخش مثبت باشد و همان طور که مشاهده می شود، اثر سهم ملی برای هر یک از بخش های اشتغال فارغ التحصیلان کشور مثبت می باشد.

۲- در بخش های کشاورزی، معدن، آب و برق، خدمات مالی، هتل و رستوران، حمل و نقل، مستغلات و خدمات عمومی وجود یک اثر مثبت در انتقال ساختاری به همراه یک اثر مثبت در انتقال رقابتی بیانگر این مطلب است که انتقال ساختاری شاغلین با تحصیلات عالی به شکلی است که از مزیت رقابتی حمایت می کند، یعنی بخش هایی که در آن از مزیت نسبی برخوردار هستند سهم بیشتری در اشتغال فارغ التحصیلان نظام آموزش عالی نیز دارا هستند. در نتیجه می توان انتظار داشت که این بخش ها در آینده نقش بسیار مهمی در اشتغال فارغ التحصیلان نظام آموزش عالی داشته باشند. در برخی از ادبیات موضوع به بخش هایی با این ویژگی ها برنده اقتصادی گویند.

۳- در اکثر بخش های فعالیت اثر رقابتی مثبت است، بالاخص در بخشهای کشاورزی، صنعت، عمده فروشی و خرده فروشی و حمل و نقل اثر رقابتی مثبت وجود دارد. بنابراین یک مزیت نسبی بالقوه در رشد این بخش ها وجود دارد که می تواند رشد بالقوه ای برای اقتصاد کشور باشد.

منابع:

- زیاری، کرامت اله، (۱۳۷۸)، اصول و روش های برنامه ریزی منطقه ای، چاپ اول، دانشگاه یزد
- عسگری، علی؛ گلی، علی؛ (۱۳۷۸)، بررسی تحولات رشد اقتصادی استان همدان و شهرستانهای تابعه طی دوره ۱۳۵۵ تا ۱۳۷۵ برای فعالیتهای عمده اقتصادی؛ پژوهشکده اقتصاد تربیت مدرس
- عبایی، محمد، (۱۳۷۹) پایان نامه کارشناسی ارشد رشته علوم اقتصادی، بررسی وضعیت اشتغال در استان سمنان و شناسایی مزیت‌های نسبی از دیدگاه اشتغال، دانشکده علوم انسانی تربیت مدرس
- مرکز آمار ایران، آمار سرشماری نفوس و مسکن سال های ۹۰-۱۳۸۵
- Carol c.Mc Donough and Balbir s.Sihag;"the incorporation of multiple bases into Shift-share analysis"; Growth and change,(1991) 1-9.
- Dannell, "The changing commodity structure and destruction of Irish export 1972-1990", working paper, department of economics, trinity college, Dublin, Ireland (1996).
- Esteban;j."regional convergence in Europe and the industry mix:a shift-share analysis"; Regional science and urban economics 30 (2000) 353-364.
- Frederick Y.H.and gale jr. "The rural-urban Gap in Manufacturing productivity and wage:Effects of Industry mix and regional,"Economic Research Service, U.S.Department of Agriculture (1997).
- Helzi noponen; Ann markusen; karl driessen; "International Trade and Shift-share analysis: A response to dine and Haynes"; Economic Development Quarterly, Vol.12 no4, (1998), 344-350.
- Kian-Heng peh and fot-chyi wong; "Growth in Singapore export markets,1991-96:Ashift-share Analaysis"; Asian Economic Journal 1999,vol.13 no,3.
- Mustafa dinc and kingsley E. Haynes;"Regional Efficiency in the manufacturing sector: integrated shift-share and data envelopment Analysis"; Economic Development Quarterly, vol.13 no. 2(1999),183-199.
- Niemi, Albert w."Gross state product and comparative economic growth in the southeast,1950-80."review of business and economic research 20, (1985).
- Richard A.Barff and prentice L.Knight ;"Dynamic shift-share analysis"; Growth and change, spring (1988).
- Richard w.lichty and kjell R.knudsen; "Measuring regional Economic Base"; Economic Development review fall, (1999), 47-52.
- Robert Q. Hanham and Shawan banasick;" shift-share analysis and changes in japanese Manufacturing Employment"; Growth and change vol. 31 (2000) pp.108-123.
- Sefried w, o, "Examining the economic competitiveness of the economies of the Southern united states", unviersity of central Arkansas.